

## پیرامون فراخوان ایجاد "اتحادیه بیکاران" و "کارگران اخراجی"

صدیق جهانی

تعدادی از فعالین کارگری که اخیراً از "کمیته پیگری" منشعب شده بودند، هم اکنون بعنوان "هیات موسس" تشکلی تحت عنوان "اتحادیه بیکاران" در سطح شهرهای تهران، کرمانشاه و سنندج، اعلام موجودیت کرده اند. این جمع با تعدادی از بیکاران تماس گرفته و قرار بر این است که روز 22 دی ماه سال 85، اولین مجمع عمومی خود را در شهر سنندج، برگزار نمایند. در این رابطه لازم دانستم نکاتی را با این پیشروان در میان بگذارم.

گامی که این دسته از فعالین کارگری، در جهت ایجاد "اتحادیه بیکاران" برداشته اند، از دو زاویه قابل بررسی است. نخست، پدیده بیکار سازی ها دور تازه ای بخود گرفته و بطور روزافزون مشاهده می کنیم که دسته دسته از کارگران به لشکر بیکاران ملحق می شوند. لازم به ذکر است که در چنین شرایط و جامعه ای متأسفانه کمک هزینه های اجتماعی مانند سیستم سوسیال و ... وجود ندارد، که کارگران بیکار از آن طریق امرار معاش نمایند. پس و بطور ساده به آن نتیجه می رسیم که اقدام این دسته از فعالین کارگری مبنی بر ایجاد تشکل بیکاران گامی به جلو است. زیرا نگرانی تنها بر سر زندگی فرد بیکار شده نیست، بلکه صحت بر سر زندگی و سرنوشت میلیون ها انسان است که اساساً به اشتغال فرد و یا افراد بیکار شده، وابسته اند. از سوی دیگر، تجربه تا به امروز ثابت کرده که کارفرماها و دولت‌مردان سرمایه دار، به خاطر چالش های فردی این یا آن فرد بیکار شده، نه کار پیدا می کنند و نه بیمه بیکاری و یا کمک هزینه اجتماعی برایشان بطور ماهانه در نظر می گیرند. در حال حاضر، همه به آن واقفیم که فقر و فلاکت اقتصادی مانند خوره زندگی کارگران و خانواده هایشان را در خود تنیده و آنها را در برابر وضعیت دهشتناک و مرگ و میرهای تدریجی قرار داده است.

طبعاً حرکت این دسته از فعالین کارگری که در تلاش اند، "اتحادیه بیکاران" را ایجاد نمایند، بر گرفته از وضعیت کنونی و مهمتر از آن پایان دادن به زندگی دهشتناک بیکاران است. زیرا بدون تشکل و فعالیت متمرکز و جمعی زندگی بیکاران بهبود نمی بخشد. دوم، در کنار نقطه قوتی که ذکر شد، نارسایی هم به چشم می خورد. برای نمونه، طرفداران ایده ایجاد تشکل بیکاران و کارگران اخراجی با تعداد بسیار کم و انگشت شماری از فعالین و بیکاران شهر سنندج و ... تماس گرفته و این مسئله مهم و مبرم را در میان گذاشته اند. این در حالی است که تنها در شهر سنندج، ده ها فعال و از سوی دیگر لشکری بیکار وجود دارد. سوم، همانطور که تجربه ثابت کرده، اینگونه نارسایی، از طرفی سکتاریزم را در میان کارگران رواج می دهد و از سوی دیگر راه را پیشروی میلیون ها کارگر اخراجی و بیکار جهت پیوستن آنها به چنین تشکلی سد می کند. ممکن است در جواب گفته شود، "ما" بعنوان هیات موسس، "اتحادیه بیکاران" را ایجاد می کنیم و بعداً از عموم کارگران انتظار داریم که به آن پیوندند. اینگونه سبک کار هیچ ربطی به سوخت و ساز جنبش کارگری نداشته و ندارد. در این رابطه، اگر این فعالین تاریخ افت و خیزهای طبقه کارگر نه تنها ایران و کردستان، بلکه سطح بین المللی را ورق بزنند، آنگاه متوجه می شوند که تا بحال کسی از چنین راهی نتوانسته و هرگز نمی تواند تشکلی بسازد که عموم کارگران و یا بخش چشم گیری از آنها را به خود وصل نماید. از اینرو پیداست که این دسته از پیشروان، تشکل توده ای کارگران را با کار فرقه ای اشتباه گرفته اند.

برای تشکل کارگری، بخصوص "اتحادیه بیکاران" لازم نیست هفت خان رستم پیشروی کارگران اخراجی و بیکار گذاشته شود. اساساً هنر چنین تشکلی در آن است که در بر گیرنده عموم بیکاران باشد. اما در تشکل های فرقه ای، معیارها متفاوت و بر مبنای تنگ نظری و هفت خان رستمی طراحی شده که قبلاً از طرف فلان لیدر تعین شده است. اما در سوخت و سازهای درون جنبش کارگری لیدر بازی بیگانه، مردود و مهمتر از آن کار را بجای نمی برد. اگر ما بتوانیم، اینگونه فرهنگ های مخرب سکتاریستی را از درون جنبش کارگری بیرون برانیم، آنگاه معیارها به رفاقت، همبستگی و تصمیم گیری جمعی بر مبنای طبقاتی تبدیل می شود. یکی از علت های عدم پیوستن این یا آن کارگر به چنین تشکل و یا فراخوانی، ناروشن بودن قضیه و اساساً ترس از سکتاریزم و بهره برداری نامشروع از آن است.

کلام آخر:

در جامعه و شرایطی که میلیون ها کارگر بیکار و اخراجی وجود دارد، هیات موسس چند نفره و یا مجمع عمومی 60 نفره، هرگز نمی تواند به نیازمندی که قبلا ازش تعریف کردیم، پاسخ بدهد. زیرا لازم است که ایده تشکل بیکاران، در میان کارگران وسیعا به بحث و تبادل نظر گذاشته بشود. برای تحقق چنین هدفی لازم است که یک مجموعه سمینار و مجمع عمومی که قبلا برایش کار شده و به اطلاع عموم بیکاران این یا آن شهر و روستا رسیده، صورت بگیرد. در جریان اینطور حرکتی است که می توانیم بر سنت های غیر کارگری غلبه نمایم و مهمتر از آن، تشکل مورد نظر خود را بسازیم. در بطن راه انداختن اینطور جنبشی است که اتحادیه بیکاران شکل طبیعی بخود می گیرد. اتحادیه ای که خارج از این مناسبات و با مشارکت محفلی از کارگران شکل بگیرد، راه را بجای نمی برد. لذا لازم است که این فعالین، در گام های بعدی، دامنه کار خود را گسترش دهند. طبعاً منظور و معنی عملی چنین انتظاری، درک وسیع و واحد از تشکل مورد نظر و از سوی دیگر نحوه ایجادش است. ابتدائی ترین نحوه ایجاد یک تشکل کارگری، مشارکت وسیع کارگران و مبتنی بر مجمع عمومی می باشد.

پیش بسوی ایجاد تشکل های کارگری  
03-01-2007